پدری که اعضای بدن دخترش را اهدا کرده از شرایط بخشش می‌گوید

دخترم مریم زنده است

■ حسین فصیحی

چند روز بیشتر از حادثه نگذشته‌است، اما هنوز در آتش از دست دادن دخترش می‌سوزد و حالا دلخوش به این است که با تپش قلب مریم بعد از پرواز آسمانی‌اش هنوز زندگی ادامه دارد. حسین مرتضی‌قلی با اهدای اعضای بدن دختر ۲۰ ساله‌اش مریم، امید به زندگی را در چند خانواده زنده کرده‌است که در این‌باره با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

ابتدا کمی درباره خصوصیات دخترتان مریم توضیح دهید و بگویید چطور به مرگ مغزی مبتلا شد؟

دخترم مریم خیلی جوان بود. او فقط ۲۰ سال داشت و نامزد کرده‌بود. از دست دادن مریم برای ما خیلی دشوار است. مریم خیلی خوب بود. از لحاظ اخلاقی خیلی دلسوز بود. قلب مهربانش از من خیلی بهتر بود. اصلاً اهل کینه نبود و گذشت می‌کرد. وقتی کدورتی پیدا می‌شد، همیشه دنبال آرامش بود و می‌گفت دنیا دو روز است و ارزش ندارد. به هر حال دنیا با همه بی‌ارزشی‌اش مریم را با مسمومیت دارویی از ما گرفت.

حادثه چطور اتفاق افتاد؟

ساعت ۲ نیمه‌شب ۲۶ دی‌ماه امسال بود و همه در خانه خواب بودیم که ناگهان دختر کوچکم فریاد زد، حال مریم بد شده‌است. من و همسرم سراسیمه خودمان را به مریم رساندیم و دیدیم پاهایش را به زمین می‌کوبید. آنجا بود که با اورژانس تماس گرفتیم و مریم را به درمانگاهی نزدیک خانه منتقل کردیم. درمان او در درمانگاه فایده نداشت، برای همین مریم به بیمارستان شهید سلیمانی کرج منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. او دچار مسمومیت دارویی شده‌بود. اول گفتند علائم حیاتی دارد. ۲۰ دقیقه بعد کادر درمان آمدند و گفتند که دخترم مریم احیا شده‌است. لحظات سختی به من و مادرش می‌گذشت. راهی جز پناه بردن به بارگاه خداوند و توسل به ائمه نداشتیم. دعا می‌کردیم برای دخترمان اتفاق بدی روی ندهد. به چیزی جز سلامت او فکر نمی‌کردیم. به هر حال آن لحظات دلهره‌آور تا یکی، دو شب دیگر هم در بیمارستان سپری شد تا اینکه پزشکان خبر دادند دخترم به مرگ مغزی مبتلا شده‌است.

پیشنهاد اهدای عضو از سوی چه کسی مطرح شد؟

این موضوع را پزشکان به من و مادرش اعلام کردند. آنها گفتند که امیدی به نجات مریم نیست، برای همین موضوع اهدای عضو را مطرح کردند. وقتی پیشنهاد اهدای عضو دادند، همسرم گفت که مریم کارت اهدای عضو داشت.

از چه زمان کارت اهدای عضو گرفته‌بود؟

من در بیمارستان و همان‌جا از زبان همسرم از این موضوع باخبر شدم. مریم چند سال قبل از این اتفاق، خودش کارت اهدای عضو گرفته‌بود. معلوم بود بخشش در وجود دخترم پررنگ بوده‌است که در سن نوجوانی به فکر گرفتن کارت اهدای عضو بوده‌است.

بنابراین موافقت کردید؟

وقتی خود مریم حاضر به بخشش بزرگ بوده‌است، ما هم به تصمیم او احترام گذاشتیم و به این امر خیرخواهانه رضایت دادیم.

چه اعضایی از مریم اهدا شده‌است؟

تا جایی که می‌دانم قلب، کلیه‌ها و کبد اهدا شده‌است.

عمل برداشت اعضای و پیوند کجا انجام شد؟

برداشت اعضای بدن مریم در بیمارستان سینای تهران انجام شد. ساعت ۹ صبح روز ۲۸ دی‌ماه بود که من و برادرم وارد بیمارستان سینا شدیم و فرم‌های رضایت را پر کردم. دوست داشتم قلب دخترم در بدن یک دختر بتپد. من این موضوع را هم مطرح کردم، اما گفتند پیوند براساس اینکه فرد در نوبت بوده و مطابقت گروه‌های خونی و در نظر گرفتن شرایط بیماران انجام می‌شود.

آخرین ملاقات با مریم کجا بود؟

صبح همان روز برای آخرین بار دخترم را در بیمارستان سینا دیدم. خدا قسمت هیچ پدر و مادری نکند بچه‌اش را روی تخت بیمارستان ببیند. من شرایط دشواری را تجربه کردم. لحظات خیلی سختی بود که قابل‌بیان نیست. امیدوارم کسی در این موقعیت قرار نگیرد که عزیزش را روی تخت بیمارستان ببیند و نتواند برای بچه‌اش کاری کند. به هر حال با هر سختی بود با مریم وداع کردم. گویا عصر همان روز عمل برداشت اعضا در بیمارستان انجام شد. پیکر مریم بعد از آن به پزشکی قانونی در کهریزک و بعد برای شست و شو به بهشت زهرا منتقل شد. بعد هم مراسم خاکسپاری در بهشت سکینه کرج برگزار شد.

نمی‌دانید قلب دخترتان در سینه چه کسی می‌تپد؟

نه. دوست داشتم در سینه یک دختر باشد. شاید هم خداخواست و همان شد.

از بخشش خود راضی هستید؟

من و مادرش عزیزمان را از دست داده‌ایم و برایمان سخت است، اما از لحاظ اهدا اصلاً ناراحت نیستیم، خوشحال هستیم. همان زمان گفتیم که حالا که مرگ مغزی‌شده لااقل جان چند نفر دیگر را نجات دهیم و با این کار انگار که مریم زنده است.

ممکن است افراد دیگری هم در شرایط شما قرار گیرند.

امیدوارم که خداوند به کسی غم ندهد. اگر کسی در این موقعیت قرار گرفت، این جرئت را داشته‌باشد و این کار را بکند، چون خیرخواهانه است. انگار جان چند نفر دیگر را نجات می‌دهد. من هم می‌گویم قلب دخترم در سینه هر کس می‌تپد انگار که دخترم زنده است. شاید خداوند اجر آن را به او و ما بدهد.

فرمانده کل انتظامی کشور:

امنیت در سیستان و بلوچستان برقرار است

سردار رادان با بیان اینکه امنیت در سیستان و بلوچستان برقرار است، گفت: در حادثه راسک مأموران فارس و بلوچ، شیعه و سنی در راه تأمین امنیت مردم شهید شدند.

سردار احمدرضا رادان پیش از ظهر دیروز دوشنبه دوم بهمن‌ماه در مراسم یادواره شهدای فرماندهی انتظامی تهران بزرگ گفت: خدا را شاکرم که امروز در جمع نورانی شما حضور یافتم و باید از شهدا تشکر کنیم، شهدایی که اجازه دادند ما برای آنها محفل به پا کنیم و در محفلی که به پا شد، حضور یابیم و با گوش، شنوا و با چشم، بینای این مراسم باشیم و این در حقیقت اثر وجودی شهداست.

فرمانده انتظامی کل کشور افزود: در روزهایی هستیم که حادثه راسک مردم ایران را مجدداً میهمان شهدا کرد؛ در حادثه‌ای که شیعه و سنی و فارس و بلوچ که در کنار هم برای تأمین امنیت مردم حضور داشتند با دشمن جنگیدند و به شهادت رسیدند. و در روزهایی که کرمان به پا خاست در راه قاسم سلیمانی و بعد هم حادثه تروریستی کرمان و شهادت جمعی از هموطنان رخ داد. اثر وجودی شهدای ما این‌گونه می‌شود که هدیه اشک را بر چشمان ما میهمان آخرت ما کند.

سردار رادان در حاشیه یادواره شهدای فرماندهی انتظامی پایتخت در جمع خبرنگاران به حادثه راسک اشاره کرد و اظهار داشت: همانطور که قول داده بودیم فرزاندانمان تک‌تک متجاوزان در حادثه راسک را تعقیب کنند، همکاران ما توانستند با لطف خدا و اشراف اطلاعاتی تعدادی از این افراد را دستگیر کنند که اعترافات آنها دال بر حضور در آن عملیات تروریستی بوده و همچنین گفتند که طراحی کرده بودند پایگاه را کاملاً متصرف شوند که با مقاومت جانانه مأموران پلیس مواجه شدند.

فرمانده فراجا تصریح کرد: در چند روز گذشته نیز در حوزه سراوان بچه‌های ما را مورد تهدید قرار دادند و مأموران ما چند روز طوفانی را با اشراف عملیاتی به مرحله اجرا گذاشتند و تعدادی تروریست را دستگیر کردند.

امروز امنیت در سیستان و بلوچستان به لطف خدا و تلاش مأموران انتظامی و سپاه برقرار است و تلاش داریم تمام تهدیدات را رفع کنیم.

■ شهادت ۷۷ نیروی پلیس از ابتدای سال تاکنون

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ نیز در یادواره شهدای فرماندهی انتظامی تهران بزرگ با گرامیداشت یاد و خاطره ۱۳ هزار شهید انتظامی کشور اظهار داشت: از ابتدای سال تا کنون انتظامی کشور ۷۷ شهید در راستای تامین امنیت تقدیم نظام کرده است.

سردار محمدیان با اشاره به ۱۱ شهید مقر انتظامی راسک و چهار شهید حادثه تروریستی کرمان افزود: امروز شهر تهران مزین به تصاویر شهداست و یادواره شهدا امروز در مساجد و دستگاه‌ها برگزار می‌شود و حال و هوای شهر شهدایی شده است.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با گرامیداشت هزار و ۵۵۴ شهید انتظامی تهران بزرگ گفت: این یادواره مقدمه‌ای برای کنگره عظیم ۲۴ هزار شهید پایتخت است.

وی با بیان اینکه ۱۰۰ شهید ترور در فرماندهی انتظامی تهران داریم، خاطرنشان کرد: ۷۰۰ شهید تهران بزرگ شهید دفاع مقدس، مرزبانی و یگان ویژه هستند.

دور همی با یک بدگویی رنگ خون گرفت

■ آرمین بینا

دورهمی زن جوان و دوست صمیمی‌اش که از شوهر او بدگویی می‌کرد درگیری خونینی را رقم زد.

ساعت ۱۵ روز یک‌شنبه اول بهمن‌ماه، زنی وحشت‌زده با اداره پلیس تهران تماس گرفت و گفت دخترش، شوهرش را با همدستی دوستش به قتل رسانده و الان هم تصمیم دارند دو نفری جسد را داخل حمام مثله و به بیرون منتقل کنند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب به آدرس داده شده اعزام شدند و وقتی زنگ خانه را زدند، زن میانسالی در را باز کرد و مأموران هم در حمام با جسد مرد ۲۸ ساله‌ای به نام کیوان روبه‌رو شدند که دو زن جوان بر بالینش ایستاده بودند.

آثار ضربات متعدد و دو چاقوی خونی در نزدیکی جسد نشان می‌داد مرد جوان با ۱۱ ضربه چاقو به دست دو زن جوان به قتل رسیده است.

بدین ترتیب مأموران با حفظ صحنه جرم موضوع قتل را به قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند و وی نیز لحظاتی بعد همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را آغاز کرد.

■ اعتراف در صحنه

تیم جنایی در همان ابتدای ورود دریافت مقتول به دست همسر و دوست او به قتل رسیده و حادثه را نیز مادرزنش به مأموران خبر داده است.

مادر قاتل گفت: ساعتی قبل دخترم پروانه در حالی که هراسان بود با من تماس گرفت و خواست هرچه سریع‌تر به خانه‌اش بروم. او پشت تلفن فقط التماس می‌کرد که زودتر خودم را به او برسانم و می‌گفت به کمک من احتیاج دارد. فکر کردم با شوهرش مشکلی پیدا کرده، اما وقتی به خانه‌اش رفتم، دخترم گفت با همدستی دوستش فریده، شوهرش را به قتل رسانده است. آنها جسد را داخل حمام برده بودند و از من خواستند کمکشان کنم که جسد را به بیرون منتقل کنند. با دیدن این صحنه به شدت شوکه شدم، به‌طوری که لحظاتی زبانم بند آمده بود. وقتی به خودم آمدم تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس خبر بدهم و بعد به بهانه اینکه وسایل و نایلون برای حمل جسد تهیه کنم از خانه بیرون آمدم و با پلیس تماس گرفتم.»

تیم جنایی در ادامه از دو متهم بازجویی کرد. همسر مقتول وقتی با اظهارات مادرش روبه‌رو شد به قتل شوهرش با همدستی دوستش اعتراف کرد و مدعی شد از قبل اختلافاتی با شوهرش داشته و در نهایت ساعتی قبل با دوستش او را به قتل رسانده است. فریده هم در بازجویی به قتل با همدستی دوستش پروانه اعتراف کرد.

بدین ترتیب همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، دو متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

■ میهمان شوم

پروانه ۲۵ سال سن دارد و به گفته خودش زندگی خوبی داشته، اما از روزی که دوستش میهمان خانه آنها می‌شود، اختلافاتش با شوهرش زیاد می‌شود تا جایی که در درگیری شوهرش را به قتل می‌رساند.

پروانه چه اختلافی با شوهرت داشتی که او را به قتل رساندی؟

ما زندگی خوبی داشتیم، البته مثل زن و شوهرهای دیگر اختلاف هم داشتیم، اما نه اختلافی که به قتل ختم شود. از چند روز قبل اختلافات ما بیشتر شد، ولی فکر نمی‌کردم روزی دستم به خون شوهرم آلوده شود.

چرا اختلاف شما بیشتر شد؟

به خاطر میهمان شومی بود که از ۱۰، ۱۲ روز قبل به خانه ما آمد. میهمان شوم هم کسی نبود جز دوستم فریده که با همدستی او شوهرم را به قتل رساندم.

فریده مجرد بود؟

نه، او تازه عروس است و چند ماه قبل ازدواج کرده است.

چرا در این مدت در خانه شما بود؟

او با شوهرش اختلاف پیدا کرده بود، تا جایی که تصمیم داشتند از هم جدا شوند. فریده می‌گفت شوهرم بداخلاق است و دست بزن دارد. حدود ۱۰، ۱۲ روز قبل در حالی که گریه می‌کرد با من تماس گرفت و گفت شوهرش از خانه بیرونش کرده است. خانواده فریده شهرستانی هستند و او جایی را نداشت که برود و وقتی هم او را دیدم صورتش کبود بود که فهمیدم شوهرش او را کتک زده است. دلم به حالش سوخت و فریده را به خانه‌ام راه دادم و او هم در این مدت میهمان ما بود.

چرا میهمانت شوم بود؟

از زمانی که او وارد خانه ما شد، اختلافات من و شوهرم بیشتر شد. از طرفی شوهرم به می‌گفت چرا او را به خانه راه داده‌ام. می‌گفت فریده زن خوبی نیست و پشت سرش بدگویی و مرا نسبت به او بدبین می‌کرد. از طرفی هم دوستم پیش من از شوهرم بد می‌گفت. فریده می‌گفت شوهرم به او گفته دوست ندارد با من زندگی کند و اگر توان پرداخت مهریه‌ام را داشته باشد مرا طلاق می‌دهد. آنقدر از شوهرم بد گفت که من از او کینه به دل گرفتم تا اینکه او را به قتل رساندیم.

از قبل نقشه قتل را طراحی کرده بودید؟

نه، به صورت اتفاقی رخ داد.

چگونه؟

آن روز دوستم خیلی از شوهرم بدگویی کرد و من هم تحت تأثیر حرف‌های او قرار گرفتم تا جایی که با شوهرم درگیر شدیم. وقتی درگیری ما بالا گرفت، چاقویی برداشتم و چند ضربه به شوهرم زدم. در همین هنگام دوستم به کمک من آمد و او هم با چاقو چند ضربه به شوهرم زد. وقتی خونین روی زمین افتاد، تازه متوجه شدیم که مرتکب قتل شده‌ایم.

پس از آن چکار کردید؟

پشیمان شده بودیم، اما کاری از دستمان ساخته نبود. حدود دو ساعتی فکر کردیم تا اینکه جسد را به حمام بردیم و تصمیم گرفتیم هر طور شده آن را به بیرون منتقل کنیم، به همین خاطر با مادرم تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. وقتی او به خانه‌ام آمد و با جسد خونین شوهرم روبه‌رو شد از ما خواست داخل خانه منتظرش بمانیم تا از بیرون وسایلی را برای انتقال جسد تهیه کند، اما او به پلیس خبر داد و ما هم دستگیر شدیم.

حرف آخر؟

پشیمانم. کاش تحت تأثیر حرف‌های دوستم قرار نمی‌گرفتم.

انگیزه تیراندازی خونین در حال بررسی است

تحقیقات پلیس درباره انگیزه سرباز ارتش که متهم است با شلیک گلوله پنج سرباز را به قتل رسانده، در حال بررسی است.

سردار ناصر فرشید، فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: شامگاه دو روز قبل حادثه تیراندازی در پادگان باغین اتفاق افتاد و در جریان آن پنج نفر از سربازان با شلیک گلوله یک سرباز دیگر جانشان را از دست دادند. بررسی‌ها نشان داد که متهم بعد از وقوع حادثه متواری شده‌است که تحقیقات برای بازداشت وی به جریان افتاد. مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود موفق شدند متهم را در شهرستان زرند شناسایی کنند و او را در حالی که مرتکب سرقت مسلحانه دو خودرو شده‌بود، بازداشت کنند. تحقیقات برای بررسی انگیزه حادثه در جریان است. قربانیان حادثه هم ابوالفضل زارع اهل شهربابک، مهدی جعفری اهل زرند، بنیامین بامری اهل ایرانشهر، محمدصالح مؤمنی از شهربابک و رضا طالبی اهل رفسنجان بودند.

سقوط بیل مکانیکی به گودال ۱۵ متری

راننده بیل مکانیکی که در سقوط بیل مکانیکی به گودال ۱۵ متری دچار جراحت شده بود، به بیمارستان منتقل شد.

به گزارش «جوان»، علیرضا معصوم‌زاده، فرمانده آتش‌نشانان ایستگاه ۵۳ آتش‌نشانی تهران گفت: روز گذشته به ایستگاه خبر سقوط بیل مکانیکی به محل گودبرداری شده عمیق در کوچه بیست و پنجم خیابان وزرا گزارش شد. وقتی به محل رسیدیم، معلوم شد بیل مکانیکی به عمق ۱۵ متری سقوط کرده و راننده دچار مصدومیت شده که آتش‌نشانان با در نظر گرفتن نکات ایمنی و مجهز شدن به تجهیزات حفاظت فردی ضمن برپا کردن کارگاه نجات با استفاده از طناب و دیگر تجهیزات صعود و فرود به مصدوم دسترسی پیدا کردند و او را به سطح زمین منتقل و راهی مرکز درمانی کردند. علت سقوط در دست بررسی است.

نصب تانکر سوخت داخل مینی‌بوس!

فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان از توقیف یک مینی‌بوس با هزار لیتر گازوئیل قاچاق خبر داد.

سرهنگ مجید عسکری نیا گفت: مأموران پلیس آگاهی غرب استان تهران هنگام گشت‌زنی در شهر به یک دستگاه مینی‌بوس عبوری مظنون شدند و به راننده فرمان ایست دادند. وی ادامه داد: هرچند راننده ابتدا تلاش کرد از فرمان پلیس سرپیچی کند، اما سرانجام خودرو را متوقف کرد. سرهنگ عسکری گفت: مأموران به محض باز کردن در مینی‌بوس با تغییر عجیب در داخل این وسیله نقلیه مواجه شدند و دیدند تمامی صندلی‌های مینی‌بوس جمع‌آوری شده و داخل آن تا ارتفاع پنجره به یک مخزن بزرگ تبدیل شده است. در عین حال برای عادی نشان دادن ظاهر مینی‌بوس پرده‌های آن نصب شده بود. وی افزود: مأموران در بازرسی از مخزن تعبیه شده هزار لیتر گازوئیل قاچاق کشف و همزمان با توقیف خودرو راننده را هم بازداشت کردند. بررسی‌ها در این‌باره جریان دارد.

نجات مادربزرگ از حادثه آتش‌سوزی

زن سالخورده که میان شعله‌های آتش و دود در ساختمان مسکونی گرفتار شده‌بود، با تلاش آتش‌نشانان نجات پیدا کرد و آتش هم خاموش شد.

به گزارش «جوان»، صبح روز گذشته آتش‌نشانان ایستگاه ۹۳ از حادثه آتش‌سوزی در ساختمان مسکونی در خیابان شهید نامجو باخبر و در محل حاضر شدند. مجید کریمی رئیس ایستگاه که در محل حاضر شده‌بود، گفت: آتش‌سوزی در طبقه دوم ساختمان چهار طبقه اتفاق افتاده‌بود و هنگام رسیدن آتش‌نشانان قسمت آشپزخانه شعله‌ور شده و دود و آتش به سرعت تمام فضای واحد مسکونی را فرا گرفته‌بود. آتش‌نشانان پس از حضور در محل حادثه، همزمان با قطع برق و گاز و مجهز شدن به تجهیزات انفرادی اقدام به کشیدن یک رشته لوله آبدهی آتش‌نشانی و عملیات مهار آتش‌سوزی را آغاز کردند که خوشبختانه توانستند در کمترین زمان ممکن آتش را مهار و خاموش کنند. گروه‌های دیگری از آتش‌نشانان هم به جست‌وجوی افراد احتمالی در آپارتمان پرداختند و موفق شدند زن ۶۰ ساله‌ای را که به طور معجزه‌آسا از آتش‌سوزی جان سالم به در برده‌بود، از ساختمان خارج کنند و به محیطی امن انتقال دهند. علت حادثه در دست بررسی است.

پسر ناخلف خودش را تسلیم پلیس کرد

پسر جوانی که در یک حادثه، مادرش را به قتل رسانده بود، خودش را تسلیم پلیس و به قتل اعتراف کرد.

به گزارش «جوان»، ظهر روز یک‌شنبه اول بهمن قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل زن میانسالی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی داخل آپارتمان مسکونی در محله پاسداران با جسد زن میانسالی به نام فرشته روبه‌رو شد که با اصابت جسم سختی به سرش به قتل رسیده بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد قاتل، پسر جوان مقتول به نام فرزاد است که دقایقی قبل در درگیری مادرش را به قتل رسانده و از محل فرار کرده است.

همچنین مشخص شد لحظاتی قبل همسایه‌ها متوجه سروصدا از خانه زن همسایه می‌شوند و پس از آن مشاهده می‌کنند پسرش به سرعت از خانه بیرون می‌رود که موضوع را به پلیس خبر می‌دهند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید پسر جوان به کلانتری رفته و خودش را تسلیم پلیس کرده است.

بدین ترتیب تیم جنایی به کلانتری رفت و از پسر جوان تحقیق کرد.

وی در بازجویی با اظهار پشیمانی به قتل مادرش اعتراف کرد و در ادعایی گفت: «مادرم را خیلی دوست داشتم و هرگز فکر نمی‌کردم روزی با دست خودم جانش را بگیرم. ساعتی قبل در اتاقم بودم که مادرم وارد اتاقم شد. تمام وسایلم به‌هم ریخته و اتاقم شلوغ بود. مادرم با دیدن وسایلم به من اعتراض کرد. به او گفتم حالم خوب نیست و سردرد دارم و از او خواستم که سربه‌سرم نگذارد، اما او همچنان غر می‌زد.» فرزاد در حالی که گریه می‌کرد، ادامه داد: «هر ثانیه که می‌گذشت حرف‌های مادرم بیشتر مرا عصبانی می‌کرد و او هم همچنان در حال سرزنش کردن من بود. عصبانی شدم و یک لحظه از کوره دررفتم، چشمم به دمبلی افتاد که گوشه اتاقم افتاده بود. نفهمیدم چطور دمبل را برداشتم و به سر مادرم کوبیدم. وقتی به خودم آمدم، دیدم مادرم غرق در خون و فوت کرده است. لحظاتی گیج و منگ بودم و بعد هم از ترس فرار کردم. ساعتی در کوچه و خیابان‌ها گشتم، نمی‌دانستم باید چکار کنم. فقط خودم را سرزنش می‌کردم و در نهایت هم تصمیم گرفتم به کلانتری بیایم و خودم را معرفی کنم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۰۵۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی مستقردرواحد ثبتی تصرفات مالکانه وبلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۳۴۵ تقاضای آقای محمد علی لکزایی به شماره شناسنامه ۴۲۶ وکدملی ۴۸۸۸۹۳۹۶۸۳ صادره ازمینودشت فرزند غلامحیدر درششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۱ متر مربع از پلاک شماره ۱۲۶ اصلی واقع در اراضی گلند بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال ازمالک رسمی جواد منافی به متقاضی دارد ،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳ **تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸**

شناسه آگهی: ۱۶۴۹۷۸۶

مهدی شاه مهری

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۱ گرگان